«شرق» از گمانه‌زنی‌ها درباره استعفای رستم قاسمی گزارش می‌دهد

بیم و امید رفتن و ماندن وزیر راه و شهرسازی

شرق: هنوز زمان زیادی از تشکیل دولت رئیسی نگذشته بود که گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر احتمال اولین تغییرها در کابینه به گوش رسید؛ تغییراتی که برخی آن را مربوط به وزارت اقتصاد می‌دانستند و برخی وزارت راه. اما آنچه محقق شد، اولین استعفا و کناره‌گیری به نام عبدالملکی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی رقم خورد؛ استعفایی که با فشار و تهدید مجلسی‌ها به استیضاح وزیر ضعیف به بار نشست. درست همان زمان‌ها بود که زمزمه‌های پراکنده استعفا یا برکناری رستم قاسمی، وزیر راه و شهرسازی، شکل جدی‌تری به خود گرفت و اخباری منتشر شد مبنی بر استعفای وزیری که خود را شایسته ریاست‌جمهوری می‌دانست، ولی با کناره‌گیری به نفع یک کاندیدای خاص بر کرسی وزارت راه تکیه زد؛ وزارتخانه‌ای که تا مدت‌ها تصدی آن برای خود وزیر هم جا نیفتاده بود و قاسمی به اشتباه همچنان خود را وزیر نفت تلقی می‌کرد!

بعد از گذشت زمان کوتاهی، به دلایل متعددی ازجمله بیماری رستم قاسمی و همچنین عدم تحقق وعده‌های ساخت چهار میلیون مسکن، شایعاتی مبنی بر استعفای وزیر راه و شهرسازی در فضای مجازی منتشر شد. کانال تلگرامی «عصر ما» سال گذشته در گمانه‌زنی نوشت: «رستم قاسمی اگرچه خود را در قد و قواره ریاست‌جمهوری می‌دید اما به وزارت رسید. به کمتر از وزارت نفت هم راضی نبود و قدری طول کشید تا متوجه شود وزارت مسکن و شهرسازی را به او داده‌اند؛ موقعیتی که انگار برایش ماندنی نیست». این کانال تلگرامی در پیش‌بینی خود، دلیل این کناره‌گیری را «بیماری سختی» دانسته که «یکباره از راه رسیده و امکان ادامه فعالیت اجرائی، آن‌هم در اندازه وزارت را از او گرفته است». طبق این گمانه‌زنی‌ها حتی سعید محمد هم به‌عنوان جایگزین رستم قاسمی معرفی شده بود، اما سرنوشت برای آنها این‌طور رقم نخورد.

چیزی نگذشت که یک بار دیگر پنجم مهر ۱۴۰۰ اخباری مبنی بر استعفای رستم قاسمی، وزیر راه و شهرسازی، در فضای مجازی دست‌به‌دست شد. این اخبار فضای مجازی حکایت از بیماری وزیر راه و شهرسازی دولت داشت و این احتمال را قوی می‌دانست که وزیر مجبور به استعفا برای درمان شود. منابع غیرموثق حتی از بستری‌شدن چندروزه وزیر در بیمارستان و تحت عمل جراحی قرارگرفتن روده او در شهریور ۱۴۰۰ حکایت داشت. گمانه‌زنی‌هایی که تأیید یا تکذیب آنها زمان زیادی به درازا می‌کشید.

یک بار دیگر سوم آبان ۱۴۰۰ این شایعه و گمانه استعفا به دلیل بیماری مطرح شد. ایسکانیوز، به‌دنبال انتشار خبر بستری‌شدن «رستم قاسمی» در بیمارستان در شهریور سال گذشته، تازه‌ترین خبرها را حاکی از پیشرفت بیماری قاسمی دانست و تأکید کرد او به‌زودی استعفا می‌دهد. اما آذر سال گذشته به‌دنبال انتشار مطلبی با مضمون تغییر در کابینه رئیسی که به موضوع کناررفتن رستم قاسمی از وزارت راه و شهرسازی پرداخته بود، روابط عمومی وزارت راه و شهرسازی خبر فوق را تکذیب و اعلام کرد: «انتشار این مطالب، انگیزه کارکنان و مدیران وزارتخانه برای تحقق ساخت چهار میلیون مسکن و دیگر اقدامات کلان در این حوزه را نمی‌کاهد».

بازار شایعات دراین‌باره به حدی داغ شد که سخنگوی دولت را هم به واکنش واداشت. علی بهادری‌جهرمی ۲۱ آذر سال گذشته با تکذیب شایعه بیماری رستم قاسمی اعلام کرد: «شایعات در مورد آقای قاسمی صحیح نیست. مخصوصا در مورد پروژه ساخت مسکن جلسات متعدد دارند و پیگیری می‌کنند. ایشان مقدمات اولیه ۷۰۰ هزار مسکن را به انجام رسانده است». اگرچه سخنگوی دولت گمانه‌زنی‌ها درباره بیماری و استعفای وزیر راه و شهرسازی را تکذیب کرده بود، باز هم این روزها شایعه استعفا و شدت‌گرفتن بیماری او و همچنین خبرهایی مبنی بر فشار بر او برای استعفا به گوش می‌رسد. شاهد ماجرا هم سایت انصاف‌نیوز که در گزارشی از سرپرستی علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس یازدهم که سابقه وزارت راه و شهرسازی دولت احمدی‌نژاد را هم در پرونده خود دارد برای وزارت راه خبر داده است.

در گزارش انصاف‌نیوز این‌طور آمده است که تصمیم برای معرفی نیکزاد به این دلیل گرفته شده که مخالفان رستم قاسمی ازجمله در دولت، معتقدند در مدت وزارت او طرح نهضت ملی مسکن پیشرفت نداشته است. طبق این گزارش، یکی دیگر از دلایل تغییر پیش‌رو در وزارت مسکن، به انتقادها از مسائل درون این وزارتخانه برمی‌گردد: «بسیاری از معاونان قبلی هنوز تغییر نکرده‌اند، وزارتخانه دچار آشفتگی و چنددستگی است و انتصابات جدید رضایت‌بخش نبوده است». بنا بر این گزارش، محمد مخبر، معاون اول دولت، از علی نیکزاد برای اداره وزارت راه برنامه خواسته و نیکزاد برنامه خود را ارائه کرده است.

اگرچه این روزها بیش از هر زمان دیگری کابینه رئیسی نیاز به ترمیم دارد و تغییر حتی یک وزیر ضعیف هم می‌تواند امیدبخش باشد، اما مسئله‌ای که از درجه اهمیت بالایی برخوردار است، این است که آیا گزینه احتمالی و وزیر جدید کارایی بیشتری نسبت به وزیر قبل دارد؟ به هر حال اگرچه تاکنون بارها گمانه‌زنی‌ها درباره استعفا یا برکناری برخی وزرای ضعیف یا پرحاشیه تکذیب و رد شده است، اما تجربه نشان داده برخی اخبار با این مضمون به منظور گرفتن بازخوردهای جامعه است و در صورت پالس مثبت جامعه، این امر در کمترین زمان ممکن محقق می‌شود.

در گفت‌وگوی «شرق» با سفیر پیشین ایران در فرانسه بررسی شد

چرا مذاکرات به کلاف سردرگم تبدیل شده است؟

عکس: مجید عسگری‌پور، مهر

عبدالرحمن فتح‌الهی: سرانجام پس از ۹ روز انتظار ایالات متحده چهارشنبه هفته گذشته جواب خود را به پاسخ مکتوب ایران درباره متن پیش‌نویس اتحادیه اروپا برای احیای برجام ارائه داد. اگرچه تاکنون هیچ رسانه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی جزئیاتی از این جواب آمریکا ارائه نداده است، اما برخی رسانه‌ها از نپذیرفتن کل درخواست‌های تهران یا بخشی از آن از سوی دولت بایدن سخن گفته‌اند؛ بنابراین بسیاری معتقدند یا باید شاهد شکست گفت‌وگوها، سکون، توقف و بن‌بست مجدد در مذاکرات باشیم یا اینکه در بهترین حالت دور دیگری از مذاکرات وین برای حل اختلافات در دستور کار قرار خواهد گرفت. پیرو این نکته فضای مثبتی که در ۱۵ آگوست/ ۲۴ مرداد به واسطه ارسال پاسخ مکتوب دولت رئیسی به امید احیای برجام در کشور شکل گرفته بود، دوباره جای خود را به فضایی مبهم، پیچیده و سردرگم در مذاکرات داده است؛ کمااینکه از یک سو دیوید بارنیا، رئیس سازمان موساد، در اظهاراتی امضای توافق را صددرصدی می‌داند و در مقابل میخائیل اولیانوف از طولانی‌شدن مذاکرات می‌گوید. همچنان که نماینده مجلس هم خبر از توافق در مدت یک هفته تا ۱۰ روز آتی می‌دهد؛ اما به‌واقع چرا شاهد این فضای مبهم در مذاکرات هستیم؟ این ابهام تا کی ادامه دارد؟ چرا تلاش بورل هم نتوانست به حل مشکلات منجر شود؟ به چه دلیل نمی‌توان امیدی به احیای برجام در کوتاه‌مدت داشت؟ «شرق» پاسخ به این سؤالات و پرسش‌هایی از این دست را در گفت‌وگو با ابوالقاسم دلفی پی گرفته است. در گپ‌وگفت با سفیر پیشین ایران در صربستان، فرانسه، بلژیک، کلمبیا و شیلی سعی شده است تا یک ارزیابی از چرایی بازگشت مذاکرات به نقطه ابهام داشته باشیم که در ادامه می‌خوانید.

◆ بعد از اقدام دولت رئیسی در ارسال پاسخ مکتوب خود به متن پیش‌نویس جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در ۱۵ آگوست/۲۴ مرداد به نظر می‌رسید فضا برای احیای برجام مساعد است. حال بعد از توقفی ۹روزه آمریکا هم پاسخ خود را به جوابیه ایران داد. هرچند از جزئیات پاسخ ایالات متحده خبری در دست نیست، اما در مجموع اخبار واصله، واشنگتن نه مخالفت قاطعی نشان داده و نه بله محکمی به درخواست‌های تهران داده است؛ بنابراین فضای مذاکرات دوباره به نقطه ابهام بازگشته است. از نگاه شما اساسا دلیل یا دلایل این وضعیت مبهم برای مذاکرات چیست؟ چرا هر بار که زمزمه احیای برجام و حصول توافق به گوش می‌رسد، شاهد یک کلاف سردرگم و بن‌بست در مسیر گفت‌وگوها هستیم؟

این مسئله ناشی از دو دلیل عمده است؛ اول نبود یک اراده جدی و محکم برای احیای برجام و حصول توافق به‌ویژه در ایران. البته همین نکته درباره آمریکا هم صدق می‌کند؛ چراکه بایدن هم توان و اراده لازم برای تقابل با جریان مخالف توافق و جریان ضدبرجامی با محوریت اسرائیل و حزب جمهوری‌خواه را آن هم در آستانه انتخابات کنست و انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره ندارد. به همین دلیل چون اراده و تمایل جدی در تهران و واشنگتن برای حصول هرچه زودتر توافق مشاهده نمی‌شود، ما شاهد این وضعت مبهم و فرسایشی در مذاکرات هستیم. اما برخلاف این دو بازیگر (ایران و آمریکا)، باید گفت سه کشور اروپایی عضو برجام و نیز اتحادیه اروپا به دلایل مختلف تمایل و اراده‌ای جدی برای به نتیجه رساندن مذاکرات، حصول توافق و احیای برجام دارند. مشکل دوم و شاید بتوان گفت چالش اصلی‌تر به نحوه مذاکره و گفت‌وگوها به‌ویژه از جانب ایران بازمی‌گردد که یک شیوه اشتباه بود.

◆ اشکال و انتقاد شما به شیوه گفت‌وگو و مذاکره تیم ایرانی ناظر بر چه مسئله‌ای است؟

مشکل و نقد من به تیم ایرانی آن است که متأسفانه مذاکره‌کنندگان مشخصا در آخرین دور گفت‌وگوهای وین بر اساس استانداردها و قواعد بین‌المللی پیش نرفتند.

◆ برای من ابهام به وجود آمد؛ چون به باور من تفاوت عمده‌ای بین شیوه گفت‌وگوی این دوره تیم مذاکره‌کننده ایرانی با دوره‌های قبلی وجود نداشت. پس انتقاد شما به شیوه گفت‌وگوی تیم ایرانی در این دور از مذاکرات وین چیست؟

دو اشکال عمده در کار تیم مذاکره‌کننده ایران وجود داشت؛ اولا از زمانی که جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا متن پیش‌نویس توافق خود را در دور اخیر مذاکرات به دو طرف ایران و آمریکا ارائه داد، قرار بر این بود که تهران و واشنگتن نظر خود را درباره متن اتحادیه اروپا عنوان کند. پس قرار نبود بعد از این متن مورد ادعای اتحادیه اروپا دوباره مطالبه جدیدی اضافه شود و متن مذکور دچار تغییر شود؛ اما جمهوری اسلامی ایران بعد از توقف در مذاکرات وین و تأخیری حدود ۱۰روزه تغییرات گسترده‌ای را در متن بورل ذیل پاسخ مکتوب خود ایجاد کرد و همین مسئله سبب شد آمریکایی‌ها که پیش از این پاسخ مثبت خود را به متن اتحادیه اروپا عنوان و رسما بیان کرده بودند با احیای برجام در سایه این پیش‌نویس موافق‌اند، از موضع خود عدول کنند؛ چراکه تغییرات مدنظر ایران در پیش‌نویس بورل باعث شد ما شاهد فرصت‌سوزی و تأخیر ۱۰روزه دیگری از جانب آمریکا برای ارسال جواب آنها به پاسخ مکتوب ایران باشیم؛ پاسخی که جزئیات آن در دست نیست، اما به نظر می‌رسد با تمام درخواست‌های ایران موافقت نشده است و احتمالا باید دور جدید مذاکرات در وین برای چانه‌زنی مجدد بر سر نقاط اختلافی شکل بگیرد. پس من معتقدم دیگر چیزی به نام متن اتحادیه اروپا و جوزپ بورل در دستور کار نیست، بلکه دوباره به نقطه ابتدایی مذاکرات بازگشته‌ایم.

◆ جناب دلفی دو نکته خلاف تحلیل شما را نشان می‌دهد؛ نخست اینکه مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا عنوان کرد درخواست‌های ایران کاملا منطقی است و درثانی سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا عنوان کرده اگرچه اختلافات تهران و واشنگتن بر سر احیای برجام به قوت خود باقی است، اما در سایه پیش‌نویس اتحادیه اروپا و حتی پاسخ ایران باز حصول توافق به مراتب در دسترس‌تر از چند هفته پیش است. پاسخ شما به این دو نکته چیست؟

اولا گفته‌های من لزوما به معنای آن نیست که درخواست‌های ایران و پاسخ مکتوب تهران درخواست‌هایی غیرمنطقی است؛ اما اقدام تیم مذاکره‌کننده ایرانی برای تغییرات در این متن باعث شده مذاکرات دوباره به نقطه ابهام بازگردد. آنچه در پاسخ به سؤال قبلی گفتم، ناظر بر این واقعیت بود که اتحادیه اروپا و شخص جوزپ بورل عنوان کردند این متن یک متن نهایی است و قرار بود در دور اخیر مذاکرات وین در همان فرمت دوحه یعنی در چارچوب مذاکره غیرمستقیم ایران و آمریکا نهایتا تهران و واشنگتن روی این متن نظر بدهند.

◆ خب ایران هم نظر خود را داد؟

نظر بدهد، اما نه اینکه به نام نظردهی به توافق بورل، ایران مجددا درخواست‌های قبلی خود را به نام پاسخ مکتوب به پیشنهاد متن پیش‌نویس اتحادیه اروپا ارسال کند. اتفاقا در تأیید نگاه من میخائیل اولیانوف، نماینده روسیه در مذاکرات وین در توییتی نوشت: «هرگونه پیشنهاد جدید برای تهیه پیش‌نویس، مذاکرات وین در مورد برجام را به‌طور عینی طولانی می‌کند. ممکن است مایه تأسف باشد، اما شرکت‌کنندگان این حق را دارند که مطابق با رویه عادی دیپلماسی چندجانبه، تغییراتی را در متن درخواست کنند. باید صبور باشیم». قطعا این تغییرات این واکنش آمریکایی‌ها را به دنبال می‌داشت. پس شرایط کنونی نتیجه این شیوه نادرست در مذاکرات تیم ایرانی در دور اخیر گفت‌وگوهای وین بود. ما در دور اخیر مذاکرات وین به‌واقع بر اساس قواعد گفت‌وگوها و مذاکرات عمل نکردیم. نکته دیگر که نباید فراموش کرد، این است که فضای کنونی به‌مراتب بهتر از چند هفته پیش است که شاهد بن‌بستی پنج‌ماهه در مذاکرات وین بودیم. اما ازسرگیری گفت‌وگوهای وین به معنای حصول توافق نیست؛ کمااینکه دور اخیر مذاکرات وین هم این مسئله را نشان داد و اکنون هم پس از پاسخ مکتوب ایران و جواب آمریکا دوباره به همان نقطه اول بازگشته‌ایم. باید دوباره به وین بازگشت و مذاکره کرد.

◆ انتقاد دوم شما به نحوه مذاکرات دور اخیر در وین چیست؟

مشکل دیگری که در شیوه گفت‌وگوهای تیم مذاکره‌کننده ایرانی برای دور اخیر مذاکرات وجود داشت، این بود که زمانی که تهران بعد از توقف گفت‌وگوهای وین در یک بازه زمانی ۱۰روزه قرار بود جواب خود را به متن اتحادیه اروپا بدهد، هنوز آمریکا پاسخی برای جوابیه تهران نداشت و بعد از ارسال نظرات ایران و آگاهی آمریکا به جزئیات آن بود که دولت بایدن نظر نهایی خود را داد. بنابراین این شیوه گفت‌وگو برای مذاکراتی که به شکل غیرمستقیم بین ایران و آمریکا در جریان است، یک شیوه کاملا غلط بود. ما باید از یک قاعده روشن و منطقی در این مذاکرات بهره ببریم؛ چون این قواعد به ما کمک می‌کند طرفین از نظرات همدیگر سوءاستفاده نکنند. درصورتی‌که آمریکا از این شیوه غلط مذاکرات ما نهایت سوءاستفاده را کرد.

◆ چه سوءاستفاده‌ای؟

متأسفانه ایران با ارسال پاسخ مکتوب خود، نظراتش را به آمریکا، سه کشور اروپایی، روسیه، چین، اتحادیه اروپا و علی‌الخصوص اسرائیل ارائه کرد؛ چون آمریکا نهایت همکاری و هماهنگی را با تل‌آویو در قبال برجام دارد. این وسط گویا تنها افکار عمومی و مردم ایران بود که از جزئیات آن خبر نداشت و نامحرم بوده و هستند. هرچند اخباری در این خصوص از رسانه‌های داخلی و منطقه‌ای منتشر شد، اما در نهایت نظر ایران به طرفین ارسال شد و بعد از آن بود که جریان ضدبرجامی با محوریت اسرائیل در یک هجمه گسترده سیاسی، دیپلماتیک و رسانه‌ای سعی کرد مانع از حصول توافق و جواب مثبت دولت بایدن به پاسخ ایران شود. همین نکته نشان می‌دهد ما چقدر در دور اخیر مذاکرات اشتباه رفتار کرده‌ایم؛ چون تلاش‌ها و تکاپوهای سیاسی و دیپلماتیک مقامات اسرائیلی در سفر به آمریکا نشان می‌دهد تل‌آویو از جزئیات درخواست‌های تهران بعد از ارسال پاسخ ایران مطلع شده بود و به همین دلیل در تلاش برای منصرف‌کردن دولت بایدن از پذیرش این درخواست‌های ایران بود.

◆ آیا اسرائیل در این زمینه موفق شد؟

اولا هنوز این تلاش‌ها ادامه دارد. درثانی با توجه به اخبار واصله، شواهد و قرائن از جوابیه آمریکا به نظر می‌رسد اسرائیلی‌ها در این زمینه موفق شده‌اند که از پذیرش کامل درخواست‌های تهران و حصول توافق جلوگیری کنند. اینجاست که انتقاد من به شیوه گفت‌وگوی تیم مذاکره‌کننده در دور اخیر مذاکرات وین خود را بهتر نشان می‌دهد. اگر ما با یک شیوه منطقی در مذاکرات پیش می‌رفتیم، باید به شکل هم‌زمان با آمریکایی‌ها نظرات نهایی خود را به متن اتحادیه اروپا ارسال می‌کردیم، نه اینکه اول ما نظر خود را به طرفین ارسال کنیم و بعد از آگاهی آمریکا، واشنگتن روی آن جواب دهد. این شیوه غلط باعث شد اسرائیل برنده اصلی شکست مذاکرات شود؛ آن‌هم در شرایطی که اکنون اسرائیل خود را برای برگزاری انتخابات زودهنگام کنست آماده می‌کند و تقریبا همه جریان‌ها، احزاب و شخصیت‌های اسرائیلی از بنیامین نتانیاهو تا یائیر لاپید، نفتالی بنت و... روی عدم حصول توافق و احیانشدن برجام اجماع نظر دارند. به همین دلیل نخست‌وزیر اسرائیل در روزهای گذشته ایال هولاتا، مشاور امنیت ملی و بنی گانتس، وزیر دفاع خود را به آمریکا روانه کرد تا مانع از حصول توافق شوند. شیوه غلط ما در مذاکرات اخیر، بستر و فضا را برای این تحرکات اسرائیل فراهم کرد.

علاوه بر ایجاد فضا برای تحرکات اسرائیل در جهت به شکست کشاندن مسیر مذاکرات بر اساس متن اتحادیه اروپا، این شیوه غلط ما در گفت‌وگوهای وین مشخصا در دوره آخر یک چالش دیگر را هم برای ما به دنبال داشت.

◆ چه چالشی؟

پرتوقع‌ترشدن آمریکا؛ چون با این شیوه غلط ما در مذاکره نهایتا شاهد وضعیت فعلی هستیم. چراکه هفته گذشته ند پرایس، سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده، در کنفرانس خبری به دو مسئله مهم در پاسخ مکتوب ایران اشاره کرد؛ اول آنکه تهران از خط قرمز خود برای عدم دسترسی به بازرسان آژانس برای بررسی برخی اماکن هسته‌ای و عدم پاسخ‌گویی درباره مواد رادیواکتیو در دیگر تأسیسات اتمی خود عقب‌نشینی کرده است و دوم اینکه ایران از درخواست خود برای خروج سپاه از لیست گروه‌های تروریستی نیز عدول کرده است. این ادعایی بود که آمریکایی‌ها تأکید داشتند در جوابیه ایران به متن اتحادیه اروپا قید شده است. بر اساس این پاسخ مکتوب ایران شاهد جواب نهایی آمریکایی‌ها بودیم. اما نکته اینجاست که به نظر می‌رسد این بار واشنگتن در یک پیشروی به دنبال تحمیل برخی دیگر از خواسته‌های خود به طرف ایرانی است.

◆ چطور؟

چون پس از ارسال جواب آمریکا، ند پرایس عنوان کرد هنوز برخی نقاط اختلافی بین ایران و ایالات متحده برای حصول توافق وجود دارد؛ یعنی چند نکته دیگر وجود دارد که جمهوری اسلامی باید به آن پاسخ دهد تا توافق حاصل شود؛ بنابراین آمریکا به این نتیجه رسید که ایران ذیل پاسخ خود در مواضعش عقب‌نشینی کرده است و به دنبالش واشنگتن می‌تواند فشار مضاعفی را برای تحمیل درخواست‌های دیگر داشته باشد. پس در مجموع آنچه در طول این سؤال‌ها و جواب‌ها گفتم باز هم تأکید می‌کنم وضعیت کنونی ناشی از اشکالات و انتقادات به نحوه گفت‌وگو، نحوه اطلاع‌رسانی و شیوه تبادل پیام و نظرات درخصوص متن پیش‌نویس مدنظر اتحادیه اروپا توسط دولت رئیسی و تیم ایرانی است. به همین دلیل در حال حاضر هم آمریکایی‌ها و به‌خصوص اسرائیل به‌دنبال سوءاستفاده از وضعیت فعلی هستند. از یک طرف آمریکایی‌ها سعی می‌کنند با فشار بیشتر درخواست‌های مضاعفی را از ایران داشته باشند؛ چون این تصور را دارند که ایران در جوابیه خود از برخی خطوط قرمز عدول کرده است و امکان دارد باز هم از برخی مطالبات دیگرش نیز عقب‌نشینی کند و در آن سو اسرائیل هم فضای لازم را برای به شکست کشاندن کل مسیر گفت‌وگو به دست آورده است. این در حالی است که اگر به چند ماه پیش بازگردیم، این تیم مذاکره‌کننده ایرانی و دولت رئیسی بود که این تصور را داشت که به‌واسطه مشکلات و چالش‌های داخلی در آمریکا بعد از جنگ اوکراین و همچنین نیاز مبرم به ورود ایران به بازار انرژی اکنون می‌توان حداکثر درخواست‌ها را برای حصول توافق ارائه کرد، آن‌هم در شرایطی که کاملا بدیهی بود آمریکا زیر بار مطالبات مضاعف نخواهد رفت؛ چون قوانین آمریکا اجازه این کار را به رئیس‌جمهور نمی‌دهد. اما اکنون بعد از گذشت چند ماه وضعیت کاملا برعکس شده و ایران در نقطه بازگشت از درخواست‌های خود قرار گرفته و این آمریکاست که به دنبال تحمیل مطالبات مضاعف است؛ چون اکنون این تصور وجود دارد که تهران در وضعیتی قرار دارد که حاضر به دادن امتیازات بیشتری است. پس ما باید بر اساس یک چارچوب صریح، روشن، دقیق، شفاف، کارآمد، منطقی و منطبق با قواعد بین‌المللی و هماهنگ با دیگر طرف‌های مذاکره‌کننده، گفت‌وگوها را پیش ببریم؛ چون اگر بخواهیم بر اساس قواعد و ذهن‌خوانی خود مذاکرات را پیش ببریم، نهایتا به وضعیت کنونی خواهیم رسید.

◆ علاوه بر انتقادتان به نحوه گفت‌وگوها و شیوه انتقال پیام و نظرات تیم ایرانی به متن اتحادیه اروپا درخصوص اطلاع‌رسانی از مذاکرات انتقاد داشتید. مشخصا نقد شما به این حوزه (اطلاع‌رسانی) چیست؟

یکی از ابعادی که می‌توان انتقادات گسترده‌ای را به تیم مذاکره‌کننده، وزارت امور خارجه و دولت رئیسی داشت، ناظر بر شیوع غلط اطلاع‌رسانی یا بهتر بگویم عدم اطلاع‌رسانی به رسانه‌ها و افکار عمومی درخصوص جریان مذاکرات از همان روزهای ابتدایی روی‌کارآمدن دولت سیزدهم تا به اکنون است. واقعا در داخل کشور همه‌چیز در حد گمانه‌زنی و شائبه رسانه پیش می‌رود. هیچ‌کس نمی‌تواند به‌طور قاطع از متن و محتوای مذاکراتی که در دولت رئیسی از آغاز تا به الان پیش رفته است، گزارشی به مردم ایران ارائه کند. حتی انتشار جزئیات پاسخ ایران که اخیرا توسط برخی رسانه‌ها مطرح شد، نهایتا به تشدید ابهام در فضای مذاکرات دامن زد. متأسفانه افکار عمومی، رسانه‌ها و ملت درخصوص مهم‌ترین مسئله سیاسی و دیپلماتیک حال حاضر ایران که به شکل مستقیم با معیشت، اقتصاد و زندگی آنها ارتباط دارد و هرگونه تغییر و تحولی در این خصوص تأثیر مستقیم و فوری بر زندگی آنها دارد، کاملا بی‌اطلاع هستند. ما باید دولت رئیسی و تیم مذاکره‌کننده را ملزم به درپیش‌گرفتن یک شیوه مناسب برای اطلاع‌رسانی از مذاکرات کنیم، نه اینکه جزئیات کامل و برخی مسائل محرمانه اکنون منتشر شود، اما باید رسانه‌ها و افکار عمومی در داخل کشور بدانند که تیم مذاکره‌کننده در چه مسیری گام برداشته است. نمی‌توان به برخی جملات شعاری و کلی‌گویی وزیر امور خارجه، تیم مذاکره‌کننده و به‌خصوص باقری‌کنی اکتفا کرد. ما باید این انتظار و درخواست را از دستگاه سیاست خارجی داشته باشیم که روشنگری درباره مذاکرات داشته باشد. اکنون نمی‌دانیم آنچه ایران در سایه پاسخ مکتوب به متن مدنظر اتحادیه اروپا ارسال کرد، دربرگیرنده چه مواردی بود؟ آمریکایی‌ها چه پاسخی دادند؟ و از همه مهم‌تر اکنون وضعیت درخصوص مذاکرات به کجا رسیده است؟ آیا آن‌گونه که مطرح است باید منتظر دور جدید گفت‌وگوها در وین باشیم یا بن‌بست مجددی شکل خواهد گرفت؟ پس سؤال‌ها، ابهام‌ها و پرسش‌های بسیار زیادی در افکار عمومی و رسانه‌ها وجود دارد که متأسفانه بی‌پاسخ مانده است. باید به این سؤال‌ها پاسخ داده شود. این حق مسلم مردم و رسانه‌هاست که برای سؤال‌های خود پاسخی داشته باشند.

◆ در سایه انتقادهای صریحتان به شیوه مذاکرات مشخصا در دور اخیر وین، سؤال عمیق‌تری که در ذهن من شکل گرفته ناظر بر شیوه گفت‌وگوی غیرمستقیم ایران و آمریکاست. آیا واقعا گفت‌وگوی غیرمستقیم در این شرایط، آن‌هم درخصوص مسئله حساسی مانند برجام می‌تواند جواب‌گو باشد؟ چون تا به اکنون عکس آن را شاهد بوده‌ایم.

آسیب‌شناسی شما کاملا درست است. اما باید واقعیات را هم در نظر گرفت. به هر حال مذاکره مستقیم جمهوری اسلامی ایران با آمریکا مسئله‌ای است که باید در سطح حاکمیت درخصوص آن تصمیم‌گیری شود. ضمن آنکه رسیدن به این نقطه مسلزم برخی پیش‌نیازهاست. البته نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که این شیوه غلط گفت‌وگوها، ذیل عدم مذاکره مستقیم تهران و واشنگتن به‌عنوان دو بازیگر اصلی ذی‌نفع در احیای برجام سبب شده است ما با فرسایشی‌شدن مذاکرات، ابهام و بن‌بست مواجه باشیم؛ چون عدم مذاکره مستقیم عوارض بسیار زیادی برای گفت‌وگوها به وجود می‌آورد؛ از انتقال نادرست و غیردقق موضوعات تا نحوه برداشت‌های طرفین از مواضع، احتمال سوءاستفاده طرفین میانجی و واسط و دیگر مسائل. بنابراین آنچه در انتقادهای خودم در این مصاحبه مطرح کردم، به نحوی نتیجه عدم مذاکره مستقیم ایران و آمریکاست. اگر این مذاکرات مستقیم انجام می‌شد، دیگر بخشی از این عوارض به‌ویژه شیوه غلط در نظردهی ایران به متن اروپایی کنار می‌رفت. حال اینکه چرا اکنون به دنبال مذاکره مستقیم با آمریکا نیستیم، بحث مفصل و کاملا جداگانه‌ای است که در این مصاحبه جای نمی‌گیرد، اما باید پذیرفت تا زمانی که با این شیوه مذاکرات را پیش می‌بریم، قطعا نمی‌توان به نتیجه مطلوب دست پیدا کرد.اگرچه ایران در برخی موضوعات از عراق و افغانستان گرفته تا مسائل دیگر همچون تبادل زندانیان دوتابعیتی مذاکراتی را با آمریکا داشته و دارد و برخی کشورها به‌عنوان طرف ثالث فعال‌اند، ولی نمی‌توان این مهم را نادیده گرفت که ما با پرونده بسیار بلندبالایی از اختلاف‌ها، چالش‌ها و مشکلات عمیق بین ایران و ایالات متحده مواجهیم و نمی‌توان درخصوص همه آنها به مذاکرات غیرمستقیم با حضور طرف ثالث بسنده کرد. این مسائل با این شیوه گفت‌وگو به نتیجه نخواهد رسید؛ کمااینکه مذاکرات برجام به نتیجه نرسیده است.

◆ اگرچه از پرداختن به چرایی عدم مذاکره مستقیم ایران و آمریکا حذر داشتید، اما واقعا به چه دلیل یا دلایلی تهران در این شرایط حاضر به گفت‌وگوی مستقیم با واشنگتن نیست؟

این مسئله یک ریشه تاریخی و راهبردی دارد. به هر حال در چهار دهه گذشته همواره شاهد نوعی شکاف سیاسی در ایران در مورد مذاکره مستقیم با آمریکا بوده‌ایم که کماکان و حتی با شدت بیشتری از قبل ادامه دارد. عده‌ای معتقدند مذاکره مستقیم با آمریکا و حل‌وفصل اختلافات می‌تواند چاره کار باشد و برخی هم معتقدند مذاکره مستقیم با ایالات متحده مشکلی از کشور حل نمی‌کند و ما با وضعیت پیچیده‌تری مواجه خواهیم بود. به هر حال آن طیفی که نظر و دست برتر را دارد، مخالفان مذاکره مستقیم با آمریکا هستند. البته من هم با این نگاه کاملا مخالفم و باید مذاکرات مستقیم با آمریکا در دستور کار قرار گیرد. بااین‌حال باید این را هم خاطرنشان کرد که تأکید بر مذاکره مستقیم با آمریکا لزوما به معنای پذیرش خواسته‌های آنها نیست. مذاکره یک اهرم است که می‌تواند در جای درست و با شیوه درست مهم‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و بهترین راه برای تحقق منافع ملی باشد.

ادامه در صفحه ۵